

واژه نامه فارکس

A

account

حساب، به اصل حساب افتتاح شده در نزد بانک یا کارگزار گفته می شود

aggressor

مهاجم، خریدار معتقد به صعود قیمت ها

anecdotal

شایعات و شنیده های غیر رسمی

anticipation

پیش بینی

appreciation

افزایش ارزش یک ارز در مقابل ارزی دیگر

arbitrage

استفاده از تفاوت قیمت یک کالا در دو بازار مختلف

ask

نرخ خرید معامله گر و نرخ فروش کارگزار

asset

دارایی، نقدی و غیر نقدی

B

balance

تراز حساب

barchart

نوعی نمودار برای نمایش نوسان قیمت در بازار های مالی

base currency

در هر جفت ارز، ارزی که ابتدا نوشته میشود

basis

کوچکترین واحد تغییرات نرخ بهره

bear

خرس، نماد نزول قیمت

bear market

بازار نزولی

bid

نرخ فروش معامله گر و نرخ خرید کارگزار

BOE

بانک مرکزی انگلستان

even point break

نقطه سربه سر، قیمتی از بازار که معامله گر در آن نقطه با احتساب هزینه های جانبی (نظیر کارمزد کارگزار) در وضعیت خنثی (نه سود و نه ضرر) قرار گیرد

broker

کارگزار

brokerage fee

کارمزدی که کارگزار بابت ارائه خدمات معاملاتی از معامله گر دریافت می نماید

deficit budget

کسری بودجه

bull

گاو نر، نماد افزایش قیمت

market bull

بازاری که قیمت های آن در حال صعود است

bank bundes

بانک مرکزی آلمان

buy

خریدن

order buy limit

دستور خریدی بالقوه به کارگزار که با کاهش قیمت و رسیدن به قیمت مورد نظر بالفعل می شود

buying the dips

خرید در قیمت کف بازار

C

cable

لفظی عامیانه برای GBP/USD

calendar

تقویمی که زمان اعلام شاخص های اقتصادی را نشان می دهد

call rate

نرخ بهره شبانه بین بانکی

candelstick chart

نمودار نوسان قیمت موسوم به شمع ژاپنی

cash market

بازار خرید و فروش نقدی و فیزیکی ارزها

capital

سرمایه

central bank

بانک مرکزی

CFD

به معاملاتی گفته می شود که ملکیت در آنها صدق نمی کند و شرکت در آن صرفا به منظور کسب سود ناشی از تفاوت قیمت میباشد

chart

نمودار که در بازارهای مالی برای ثبت نوسان قیمت بکار می رود

client

مشتری

close position

خارج شدن از وضعیت معاملاتی در بازار، مسدود کردن معاملات در حال جریان

commodity

کالا

consumer

مصرف کننده

convertible currency

ارزی که می تواند بدون کسب مجوز از بانک مرکزی انتشار دهنده آن با ارزهای دیگر یا طلا مبادله شود.

counter party

طرف مقابل در یک معامله

cross rate

نرخ مبادله ارزهای فرعی((cross))

cross pair

به جفت ارزهايي گفته مي شود که دلار آمریکا شامل آنها نباشد

oil crude

نفت خام

currency

ارز

currency risk

خطر ضرر و زیان ناشی از معاملات ارزها

currency swap

به قراردادی اطلاق می شود که طی آن طرفین ملزم می شوند ارزهای متفاوتی را در یک نرخ مبادله مشخص، میزان معین و تاریخی معلوم مبادله نمایند

currency option

قرارداد اختیار معامله ارزی، که به خریدار اختیار این امکان را می دهد تا طی زمانی معین و با قیمت و مقداری مشخص و ثابت، در صورت تمایل اقدام به انجام معامله نماید

currency warrant

قرارداد اختیار معامله ارز با سررسیدی بیش از یک سال

customer

مشتری

D

day trade

معامله یا معاملاتی که در یک روز کاری شروع و در همان روز پایان می یابد

dealer

شخصیتی حقیقی یا حقوقی که اقدام به خرید دارایی های مالی با حجم بالا می نماید و آنها را با حجم کمتر به معامله گران خرد با بهای بیشتر می فروشد

decline

کاهش

deflation

رکود

demand

تقاضا

demo account

حساب مجازی

deposit

سپرده که توسط مشتری نزد کارگزار نگه داری می شود

depreciation

کاهش، کاهش ارزش یک ارز در برابر ارزی دیگر

discretionary account

به حسابی گفته می شود که یک مدیر سرمایه با توجه آن برای صاحب حساب معامله انجام می دهد و برای هر معامله احتیاج به اجازه جداگانه ای از سوی صاحب حساب ندارد

divergence

واگرایی

draft

حواله، برات

draw down

کاهش موجودی حساب در پی چند معامله ناموفق

E

ECB

بانک مرکزی اتحادیه اروپا

EMS

سیستم پولی یکسان کشورهای عضو اتحادیه اروپا

EMU

اتحادیه پولی اروپا شامل کشورهای: آلمان، ایتالی، فرانسه، اسپانی، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، اتریش، فنلاند، ایرلند و بلژیک

exchange rate

نرخ مبادلاتی دو ارز

exchange rate risk

رجوع شود به currency risk

execution

به معاملاتی اطلاق می شود که در بازار باز شده اند و هنوز با یک حالت معاملاتی معکوس مسدود نشده اند

F

fall

سقوط، اشاره به نزول ارزش یک ارز در برابر ارزی دیگر

federal reserve

بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا

fixed exchange rate

نرخ رسمی و ثابتی که توسط بانک مرکزی یک کشور برای تعیین ارزش پول ملی در مقابل ارزهای دیگر تعیین می گردد. هرچند که این نرخ ثابت معمولاً در یک بازه کوچک و کنترل شده نوسان مختصری خواهد داشت

flat

اصطلاحاً به زمانی اطلاق می شود که نوسان های بازار جهت خاصی نداشته و فراز و فرود واضحی در بازار مشاهده نمی شود (و نیز به وضعیت معامله گری گفته می شود که وضعیت معاملاتی نداشته باشد)

floating exchange rate

سیستم نرخ ارز شناور، سیستمی است که طی آن ارزش خارجی پول ملی در بازار و تحت نیروهای عرضه و تقاضا تعیین می شود

fluctuation

منظور نوسان و تغییرات نرخ است

FOMC

کمیته مرکزی بازار باز آمریکا که به تصمیم گیری در باره میزان نرخ بهره (بعبارت بهتر سپرده احتیاطی بانکها) می پردازد (برای اطلاعات بیشتر درخصوص بازار باز و عملیات آن رجوع کنید به: پول و بانکداری و نهادهای مالی تالیف دکتر احمد مجتهد)

foreign exchange - forex, fx

بازاری که از تبادل ارزهای خارجی در مقابل هم پدید می آید

forecast

پیش بینی که به تغییرات نرخ هами پردازد

forward

قرارداد سلف یا forward در بازار فارکس معامله ای است خارج از بورس که بر اساس آن یک ارز در مقابل ارزی دیگر با مقداری مشخص و با قیمتی معین در تاریخی معلوم در آینده مبادله می شود برخلاف معاملات آتی ها قراردادهای سلف به سبب ماهیت "خارج از بورس بودن" از انعطاف زیادی برخوردار هستند

front and back office

دفاتر مدیریت و پشتیبانی در نهادهای مالی

fund

سرمایه، ذخیره

fundamental analysis

تحلیل بنیادی که به بررسی تاثیر عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موثر بر بازار می پردازد

futures market

بازار معامله قرارداد آتی ه، یک قرارداد آتی مانند قرارداد سلف است با این تفاوت که فقط در بورس ها معامله می شود و شریط استاندارد بر آن حاکم است (برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت تالیف دکتر مسعود درخشان)

G

gap

فاصله، منظور فاصله ای در چارت است که بدلیل تفاوت در بالاترین قیمت و پایینترین قیمت دو کندل متوالی ایجاد می شود

GDP

تولید ناخالص داخلی

GFD

نوعی محدودیت برای اجرای دستورهای از پیش تعیین شده به بروکر است به معنای معتبر تا پایان روز کاری که دستور داده شده است

green back

اصطلاحی برای دلار آمریکا

GTC

مانند GFD اما به معنای معتبر تا اطلاع ثانوی

H

hedging

انجام معامله به منظور محافظت از خطر زیان در معامله ای دیگر

high

بالاترین قیمت در یک بازه زمانی تعیین شده

I

illiquidity

رکود، کمبود نقدینگی

index

شاخص

indicator

نشانگر، اندیکاتور

inflation

تورم

institutional account

حساب موسساتی

initial margin

سپرده احتیاطی موردنیاز برای ورود به یک وضعیت معاملاتی است که برای ضمانت اجرایی می بایست موجود باشد

market interbank

بازاری که از تبادل ارزها مابین بانک ها ایجاد می شود

interbank rate

نرخ مبادله ارز در بازار بین بانکی

rate interest

نرخ بهره

introducer broker - IB

شخصیت حقیقی یا حقوقی که واسطه بین کارگزار و مشتری می شود

ISM

شاخص مدیریت عرضه محصولات کارخانه ای

J

jobber

دلال یا کارگزار بورس

claim jobless

به معني مدعي بیمه بیکاري است که بصورت شاخص بيان مي شود و به افرادي اشاره مي شود که بیکار هستند و دولت باید به آنها بیمه بیکاري پرداخت نماید

L

lagging indicators

نشانگر(انديکاتور)هاي پيرو، فاقد قدرت پيش بيني که از تغييرات گذشته تبعيت مي کنند

indicators leading

نشانگر(انديکاتور)هاي پيشرو، در ذاتشان پيش بيني هست

leverage

اعتباري که از سوي بروکر داده مي شود و اين امکان را به معامله گر مي دهد تا با سرمايه کمتر از حد یک قرارداد((lot)هم بتواند معامله نماید

limit orders

دستور خريدي پايينتر از قيمت فعلي بازار ويا فروش در بالاي قيمت جاري

liquidity

نقدینگی

long position

به حالي گفته مي شود که با خريد جريان معامله آغاز مي شود

lot

قرارداد، براي معامله در بورس باید مقدار حداقل و استاندارد ي از تعداد واحدهاي مورد معامله مورد مبادله قرار گیرد که به اين مقدار استاندارد یک لات گفته مي شودمثلا یک لات دلار برابر 100.000 دلار است

low

پايينترين قيمت در یک زماني مشخص

M

major currencies

به زوج ارزهايي گفته مي شودکه دریک طرف آن دلار آمریکا قراردادارد.اين زوج ها 85 درصد معاملات را شامل مي شوند:
NZD/USDوAUD/USD ، USD/CAD ، USD/CHF ، GBP/USD ، USD/JPY ، EUR/USD

manufacturing product

محصولات کارخانه اي

margin

حاشيه امنيت، سپرده اوليه که توسط مشتري نزد کارگزار نگهداري مي شود، پس از دريافت اعتبار پيشنهادي کارگزار و انتخابي مشتري، مارجين ناميده مي شود

margin call

هر کارگزامرئي حد مشخصي از مارجين را معين مي نمايد که در صورت کاهش حساب مشتري از آن مبلغ، کليه يوزيشن هاي باز مشتري بسته خواهد شد و درخواستي براي شارژ مجدد حساب به مشتري ارسال خواهد شد.

maker market

کارگزامرئي که عرضه کننده قيمت هاست و خود نيزآمادگي خريد و فروش در برابر مشتريان در نرخ ارزهاي موجود را دارا مي باشد و سفارش معامله از پيش تعيين شده را نيز انجام مي دهد

market order

دستور

انجام معامله

market regulation

مقررات و قوانين حاکم بر بازار

market trend

روند حرکت قيمت ها در بازار

market view

پيش بيني روند حرکتي بازار

maturity

تاريخ تسويه حساب

mini account

حساب مینی

monetary

پولی، مالی

mortgage

رهن، گرو-مربوط به نرخ تسهیلات وام های اعطایی بانک ها

MPC

کمیته سیاستگذاری پولی انگلستان

N

narrow

حرکت آهسته و کم حجم نرخ

NFA

موسسه ای مستقل و خود محور که به وضع مقررات و آیین نامه برای بازارهای آتی ها می پردازد

non durable goods

کالاهای کم دوام

payroll non farm

تعداد حقوق بگیران آمریکایی د رهمه بخش ها به جز :کارکنان دولت مرکزی-کارکنان خانه های شخصی-کارکنان موسسه های خیریه-کارکنان بخش کشاورزی

O

offer

نرخ پیشنهادی

offset

جبران کردن، اصطلاحاً به معامله ای جبرانی خلاف جهت معامله اصلی برای پوشش ریسک گفته می شود

o.c.o - one order cancel other

یک دستور معاملاتی مشروط که شامل دو قسمت است. در صورتی که هریک از دو قسم محقق شود، دستور مربوط به قسمت دیگر بصورت خودکار لغو می شود

open position

هرمعامله ای که هنوز با پرداخت فیزیکی تسویه نشده باشدو یا با یک معامله معکوس دیگر که همان تاریخ اعتبار را دارد، مسدود نشده باشد

otc - over the counter

معاملات در بازارهای مالی از جهت محل انجام بدو دسته تقسیم می شوند:داخل بورس و خارج از بورس.معاملات خارج از بورس یا OTC به سبب کمتر بودن شرایط نظارتی دارای خصوصیات منعطف تر و ریسک بیشتر هستند

overnight trading

معاملات شبانه، خرید و فروشی که مابین 9 شب و 8 صبح صورت گیرد.

P

pace

جهش قیمت و حرکت آن در نمودار

peak

بالترین نرخ در نوسان

performance

عملکرد، کارنامه معاملات

pip

عبارتی که در بازار ارز برای انجام کوچکترین حرکت در نرخ های معاملاتی بکار می رود.

political risk

عدم اطمینان از بازگشت سرمایه به دلیل احتمال اتخاذ تصمیمات سیاسی که بازگشت سود سرمایه را با خطر مواجه سازد

premium

دریافت کارمزد اضافه بدلیل حجم بالای سفارش مشتری

price

قیمت

price transparency

شفافیت قیمت، شرایطی که هم فروشنده و هم خریدار از قیمت بازار آگاهی دارند

producer

تولید کننده

property

مال و دارایی

R

rate

نرخ

resistance

سطحی از قیمت که انتظار می رود در آن نقطه قیمت سقوط کند

retail sale

خرده فروشی

risk capital

مقداری از پول که فرد می تواند برای سرمایه گذاری از آن استفاده کند و در صورت ضرر تاثیر جدی بر زندگی عادی وی نداشته باشد

rollover

زمانی که یک پوزیشن بیش از یک روز کاری باز باشد براساس تفاوت نرخ بهره دو ارزی که با هم در حال مبادله هستند هزینه یا درآمدي به مشتری وارد می شود که به آن هزینه نگه داری شبانه گفته می شود

rumor

شایعه

S

salary

دستمزد، حقوق

sell

فروختن

sentiment

احساس

settlement

تسویه یا تبدیل فیزیکی ارزها به یکدیگر

short

فروختن یک ارز یا سهام بدون مالکیت آن و نگاه داشتن وضعیت فروش با انتظار کاهش قیمت و سپس خرید آن

sideways market

بازاری که قیمت ها در محدوده ای باریک در حال نوسان هستند

skeptical

حس شک و تردید در هنگام معامله

slippage

تغییر قیمت از زمان صدور فرمان معامله از سوی مشتری تا زمان اجرای آن توسط بروکر

speculator

سفته باز، معامله گری که برای ارزش ذاتی کالا اقدام به معامله نمی کند و صرفا برای سود جستن از نوسانات قیمت اقدام به خرید و فروش می نماید

spot

معامله لحظه ای که قبض و اقباض در لحظه انجام معامله صورت می گیرد(گاهها تا دوزخ هم تسویه می تواند به تاخیر بیافتد)

spread

تفاوت بین قیمت خرید و فروش، هر قدر میزان اسپرید جفت ارزی کمتر باشد نشان از حجم بالاتر معاملات روی جفت ارز مذکور دارد

market stock

بازار سهام و اوراق بهادار

stop loss order

دستور حد ضرر، که معامله گر می تواند برای جلوگیری از ضرر بیشتر و خروج از بازار به کارگزار اعلام نماید

strengthen

افزایش قیمت یک ارز در مقابل ارزی دیگر

support

سطحی از قیمت که انتظار افزایش نرخ در آن وجود دارد

supply

عرضه کردن

survey

ارزیابی کردن

swing market

به بازاری گفته که قیمت‌ها مرتباً در حال نوسان باشند

T

target

حد سود، take profit، نرخ مورد نظر برای کسب سود و خروج از بازار

tax

مالیات

technical analysis

تحلیل رفتار قیمت با استفاده از اطلاعات موجود در نمودار، روندهای قیمتی و حجم معاملات

tomorrow to next

معامله یک جفت ارز بدون بستن یا تسویه آن تا روز آتی

tomorrow next roll

tomorrow to next

trade

معامله کردن

turn over

گردش مالی، به حجم معاملات اشاره دارد

two way price

نرخ های خرید و فروش برای یک جفت ارز

U

unemployment rate

نرخ بیکاری

prime rate us

نرخي که بانک های آمریکا به شرکت هایی که مشتری اصلی آنها هستند عرضه می کنند

up trend

روند صعودی

us treasury bill

اوراق قرضه کوتاه مدت (کمتر از یکسال) دولت آمریکا که این اوراق بین 1 میلیون تا 5 میلیون دلار بفروش می رسند

us treasury note

اوراق قرضه میان مدت (بین یک تا ده سال) دولت آمریکا که سود آن را شش ماه یکبار پرداخت می کند

V

value date

تاریخ تسویه یک معامله سلف یا لحظه ای(اسپات)

variation margin

مارجین اضافی، گاهی برخی کارگزاران در شرایط پر نوسان درخواست مارجین بیشتری از مشتری می نمایند

versus

دربرابر، در مقابل، برای مقایسه یک ارز در برابر ارزی دیگر بکار میرود

volatility

میزان نوسان و تغییر قیمت در یک بازه زمانی مشخص

volume

مجموع حجم معاملات انجام شده در یک بازه زمانی مشخص

W

wage

دستمزد، حقوق

Y

yield

بازده